

همه چیز درباره‌ی عشق

نگاهی نو

بل هوکس

آزاده اتحاد

www.ketab.ir



نشرخزه

سرشناسه	هوکس، بل، ۱۹۵۲ - م. Hooks, Bell
عنوان و نام پدیدآور	همه چیز درباره‌ی عشق: نگاهی نو [کتاب] / بل هوکس: [مترجم] آزاده اتحاد.
مشخصات نشر	تهران: نشر خزه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۸۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۱۳-۰۲-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	فبا
یادداشت	عنوان اصلی: All About Love: New Visions.
موضوع	عشق
موضوع	Love
موضوع	اخلاق فمینیستی
موضوع	Feminist ethics
شناسه الفبا	اتحاد، آزاده، ۱۳۶۵ - مترجم
رده بندی ی‌کی	۵۷۵BF
رده بندی دیویی	۷۰۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۸



همه چیز درباره‌ی عشق

نگاهی نو

نویسنده: بل هوکس

مترجم: آزاده اتحاد

ناشر: نشر خزه

چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

۱۸۴ صفحه

صفحه‌آرایی: مریم نطقی طاهری

طراحی جلد: ناصر نصیری

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۱۳-۰۲-۷

khazesangpub@gmail.com

@khazepub

فهرست

پیشگفتار.....	۷
مقدمه	
رحمت: لمس عشق.....	۹
یک	
شفافیت: تعریف عشق.....	۲۱
دو	
عدالت: درس‌های عشق در کودکی.....	۳۱
سه	
صداف: با عشق صادق باش.....	۴۳
چهار	
تعهد: بگذار عدالت در عشقت بماند.....	۵۷
پنج	
معنویت: عشق الهی.....	۶۹
شش	
ارزش‌ها: تعهد به اخلاق عشق.....	۷۹
هفت	
طمع: ساده عاشق باش.....	۹۱
هشت	
اجتماع: همدلی عاشقانه.....	۱۰۷
نه	
منافع مشترک: قلب عشق.....	۱۲۱
ده	
رُمانس: عشق شیرین.....	۱۳۷
یازده	
از دست دادن: عشق به مرگ و عشق به زندگی.....	۱۵۳
دوازده	
شفا: عشق رهایی‌بخش.....	۱۶۵
سیزده	
تقدیر: وقتی فرشته‌ها از عشق حرف می‌زنند.....	۱۷۵

پیشگفتار

از بچگی بداییم روشن بود که زندگی بدون عشق هیچ ارزشی ندارد. ای کاش می‌توانستم بگویم به خاطر عشقی که در زندگی دریافت کردم، به این حقیقت رسیدم، اما در ندان عشق بود که از اهمیت آن آگاه شدم. من بچه‌ی اول پدرم بودم. وقتی به دنیا آمدم، عشق و مهر ای دیدم، عزیز بودم و حس می‌کردم روی این زمین و در خانه‌ی خودم خوش می‌خوابم تا به امروز نمی‌توانم به خاطر بیاورم که آن احساس دوست داشته شدن چه زمانی از من رخت بست. فقط این را می‌دانم که از جایی به بعد دیگر عزیز نبودم. بین من و آنایی که در آغاز دوستم داشتند، فاصله افتاد و فقدان آغوش و توجه‌شان چنان غمگینم کرد که طلبم را شکست که به هیچ چیز دیگری نمی‌توانستم فکر کنم، گیج و گنگ بودم.

غم و اندوه بر من چیره شد. نمی‌دانستم کجا اشتباه کرده‌ام و هیچ چیز مرهمی بر زخمم نبود. هیچ رابطه‌ی دیگری نتوانست مرهمی بر زخم آن اولین جدایی، آن اولین تبعید از بهشت عشق باشد. سال‌ها در تعلیق زندگی کردم. در دام گذشته، نمی‌توانستم به جلو حرکت کنم. مثل تمام بچه‌های زخمی دلم می‌خواست آن را به عقب برگردانم و دوباره در آن بهشت قرار بگیرم، در آن خلصه که محبوب بودم. در حس تعلق داشتم. اما بازگشت به عقب وجود ندارد. حالا این را می‌دانم. اما امکان حرکت به جلو هست. ما می‌توانیم به عشقی که قلبمان طلب می‌کند، برسیم، اما نه آن زمانی که افسوس عشقی را می‌خوریم که سال‌ها پیش از دست داده‌ایم، وقتی که بچه بودیم و هنوز نمی‌توانستیم پاسخگوی عشق باشیم. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم در تمام سال‌هایی که فکر می‌کردم در جستجوی عشق هستم، در واقع داشتم تلاش می‌کردم چیزی را به زندگی‌ام برگردانم که از دست رفته بود، که به همان خانه‌ی اول

برگردم، به خلسه‌ی اولین عشق. واقعاً آماده نبودم در حال عشق بدهم و عشق بگیرم. هنوز عزادار بودم، عزادار قلب شکسته‌ی یک دختر، عزادار پیوندهای از دست‌رفته. وقتی آن عزاداری به پایان رسید، دوباره توانستم عشق بورزم.

از حال خلسه بیرون آمدم و از جهانی که روبه‌رویم قرار داشت، حیرت کردم؛ جهان امروز، جهانی که عشق دیگر در آن جایی ندارد. و می‌شنیدم که همه می‌گویند بی‌عشق‌ی بر زمانه حاکم شده است. امروز این قهر مردم با عشق به همان اندازه آزاردهنده است که جدایی از عشق برای من دختر بود. ما با این قهر، خود را تا اندازه‌ای در بر طه‌ی سرگردانی روح قرار می‌دهیم که شاید هرگز نتوانیم به خانه‌ی اول برگردیم. من از عشق می‌نویسم تا هم از خطر این راه که در پیش گرفته‌ایم، بگویم و هم همه را به بازگشت به عشق، دعوت کنم. با بازگشت به عشق، وعده‌ی زندگی جاودانه محقق خواهد شد. وقتی عشق می‌ورزد، قلب‌هایمان با هم حرف می‌زنند.